

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای دهم (پناه بر خدا) / جلسه ۴

۱۳۹۳ / ۰۹ / ۱۷

- شروع دعا با درخواست رحمت از خداوند
- سراسر هستی، سرشار از رحمت الهی است
- استغفار حاملان عرش برای اهل ایمان
- دوستان را کجا کنی محروم، تو که با فرعون چنین نظر داری؟
- پناه بردن به خداوند از شماتت شیطان
- پیچیده شدن عطر اربعین در فضای کشور
- جلوه‌های ناب رحمت الهی در زیارت اربعین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردمعه

## ■ شروع دعا با درخواست رحمت از خداوند

موضوع سخن گزارش مضامین عالی دهمین دعای صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه است که از عنوان عمومی دعا پیداست، در مقام پناهندگی به لطف، کرم، فضل و عفو پروردگار متعال است. این دعای نورانی با توجه به مشیت پروردگار متعال در کمال ادب و فروتنی و البته در اوج معرفت آغاز شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي تَشَاءُ تَعْفُؤَنَا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَذَابِكَ، خَدَايَا أَوْ حَوَاهِي» که از ما در گذری، پس به سبب تفضل تو است و اگر خواهی که ما را عذاب کنی پس به موجب عدل تو است. سخن این بود که اگر خواهی می‌آموزی، اگر خواهی عذاب می‌کنی، خواست و اراده‌ی تو است و هیچ مانعی بر سر اراده‌ی تو قرار ندارد. اگر ببخشی، به فضل تو است و اگر عذاب کنی به عدل تو است. بنده، مُلک، قدرت و فضل همه در اختیار تو و برای تو است. در قرآن کریم به این مسئله تصریح

شده است: «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ؛ هَر كِه رَا بَخَوَاهِدْ عَذَاب وَ هَر كِه رَا بَخَوَاهِدْ رَحْمَت مِي كَنْد»، همه چیز خواست خدا است و در هیچ حالتی هیچ کاری از بنده ساخته نیست. مشیت و اراده از آن تو است، اگر به فضل و رحمتت باشد، مرا خواهی آمرزید و من نجات پیدا می‌کنم؛ اگر به عدلت باشد، من بیچاره می‌شوم. مضامین عالی این دعا از همان اول تقاضای عفو آسان بود: «فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ؛ پَس بَه اَثِين اِنْعَام خُود عَفْو خُويش رَا بِي دَرِيغ بَمَا ارزانی دار».

به این جمله رسیدیم: «وَ أَشْبَهُهُ الْأَشْيَاءَ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِّنْ اسْتِزْحَمَّكَ، وَ غَوْثٌ مِّنْ اسْتِغَاثَ بِكَ فَارْحَمْنَا تَضَرَّعْنَا إِلَيْكَ، وَ أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ؛ وَ مَنَاسِبَ تَرِينِ حَيِيزِهَا بَه مَقْتَضَايِ مَشِيَّتِ تُو وَ سَزَاوَارْتَرِين كَارِهَا بَرَايِ تُو دَر اَثِين عَظْمَتْت، رَحْمَت اُورْدَن بَر كَسِي اِسْت كِه اَز تُو طَلَب رَحْمَت كَنْد وَ فَرِيَادَرَسِي كِه اَز تُو فَرِيَادَرَسِي خَوَاهِد. پَس بَر زَارِي مَا نَزْد خُود رَحْمَت اُور وَ بَرَايِ اَنَكِه خُود رَا دَر پِيَشْكَاه تُو بَه خَاك اَفْكَنْدِه اِيْم، اَز گَرْفَارِي نَجَاتْمَان

بخش). در مقام جلب عنایت و فضل پروردگار متعال سخن گفتن، کار را به این نقطه رساند: «أَشْبَهُ الْأَشْيَاءَ بِمَشِيَّتِكَ»، چه چیزی بیشتر شبیه به مشیت تو است: فضل و رحمت تو، یا عذاب، خشم و غضب تو؟ آن وقت که عفو و رحمت از تو صادر می‌شود، یا وقتی که عذاب از تو صادر شود و خشم تو برانگیخته شود؟ چیزی که بیشتر به تو می‌آید، رحمتت است. اگر کسی به درگاه تو استغاثه کرد و گفت: «فَارْحَمْنَا تَضَرَّعْنَا إِلَيْكَ»، به ما رحم کن و از تو طلب مغفرت، عفو و رحمت کرد، آن چیزی که به تو می‌آید این است که او را خواهی ببخشی و عفو تو شامل او می‌شود. «أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ»، ای خدای عظیم، آنچه به عظمت تو می‌آید و اولویت دارد، این است که وقتی کسی از تو طلب رحمت و عفو کرد، دستش را بگیری، به او رحم و کمک کنی و نجاتش دهی. امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) به ما یاد می‌دهد، این طور بگوییم، ما را تشجیع می‌کند که برو جلو، نترس، بایست، در پیشگاه خدای متعال این طور بگو، عفو، مشیت، عظمت و رحمت واسعه‌ی او را برایش بیان کن.

عالم تکوین و آن چیزی که خدای متعال خلق کرده است، همه جلوه‌های رحمت است. اصل خلقت، مبدأ خلقت، مسیر خلقت و منتهای آفرینش، همه رحمت است. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ؛<sup>۲</sup> اول و آخر و ظاهر و باطن او است». چه بسا بتوان گفت: «هُوَ الْأَوَّلُ فِي الرَّحْمَةِ، وَ الْآخِرُ فِي الرَّحْمَةِ، وَ الظَّاهِرُ فِي الرَّحْمَةِ، وَ الْبَاطِنُ فِي الرَّحْمَةِ»، تماماً رحمت است، اول و آخر و ظاهر و باطن، همه جلوه‌ی رحمت الهی است.

## ■ سراسر هستی، سرشار از رحمت الهی است

در سوره‌ی مبارکه حمد بعد از اینکه سخن از ربوبیت پروردگار متعال به میان آمده که رب، خالق، مدبر، مالک و برنامه‌ریز او است، در مقام حمد خدای متعال می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛<sup>۳</sup> ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است». «رَبُّ الْعَالَمِينَ»، به یکپارچگی تمام عوالم در بهره‌مندی از ربوبیت حضرت حق اشاره دارد. بلافاصله آن دو اسم زیبا که در «بِسْمِ اللَّهِ»، اول سوره بود، اینجا هم تکرار می‌شود: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛<sup>۴</sup> [خداوند] رحمتگر مهربان»، به معنای اینکه

جریان ربوبیت در بستر رحمت - چه رحمت به نحو عام و چه رحمت به نحو خاص - است. «الرَّحْمَنُ» سیدالاسماء، نائب مناب و جانشین الله است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ»؛ بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام‌های نیکوتر است». بر اساس این آیه‌ی کریمه عالم بیرون یعنی عالم تکوین و آفاق، جلوه‌ی رحمت است؛ اول، امتداد و انتهایش رحمت است.

نخواست و موجبات رحمت را کنار زد و چیزهایی که می‌تواند رحمت الهی را در دنیا و عقبای او، در ظاهر و باطن او، افزایش و جریان دهد، اینها را نخواست، واکنشی که برای او رخ می‌دهد، عبارت است از: غضب. قرآن کریم می‌فرماید: «فَيَجْلِلْ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَجْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»؛ که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است». قرآن موارد هشدار و انذار را با خشم و غضب بیان می‌کند تا آنهایی را که خواب هستند، بیدار کند و کسانی که غافل هستند، ذاکر و هوشیار شوند. آنجایی که سخن از عذاب به میان می‌آید، آن چیزی که در نگاه اول به نظر می‌آید، عبارت است از جلال و خشم خداوند، اما باطنش می‌خواهد بنده‌ی گنهکار را به خدا برگرداند و متوجه معاصی و اشتباهات خود کند. اگر کسی رحمت الهی را تحویل نگرفت، خودش را گرفتار کرده است. امام (علیه السلام) فرمودند: «إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَذْلِكَ»، هر چه تو بخواهی همان می‌شود، بخواهی می‌بخشی، بخواهی عذاب می‌کنی، خواست

خواست تو است، کسی مدعی نیست؛ اما من از تو عفو را می‌خواهم: «فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ»؛ پس به آئین انعام خود عفو خویش را بی‌دریغ بما ارزانی دار». سپس بیان می‌کند: «يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءَ، هَا نَحْنُ عِبَادُكَ، أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ؛ ای بی‌نیاز بی‌نیازان، اینک ما بندگان توایم در پیشگاه تو و من از همه محتاجان به تو محتاج‌ترم». اینها را که گفت، رسید به این نقطه که به مطلب اول برمی‌گردد؛ اما آنچه از همه بیشتر شبیه است به مشیت تو است، عفو و رحمت تو است. در قرآن آمده است: «مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ؛ سخنان خدا پایان نپذیرد». آنچه خلق شده، همه رحمت است، کتاب تدوین هم تماماً رحمت است. «وَأُولَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ؛ و سزاوارترین کارها برای تو در آئین عظمتت»، در عظمت تو آن چیزی که اولویت دارد برای بنده‌ای که می‌گوید: «يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ ای فریادرس فریادخواهان»، این است که دستش را بگیرد، کمکش کنی و نجاتش دهی. چه چیز به عظمت تو می‌آید؟ «وَأُولَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ»، عبارت است از «رَحْمَهُ مِنْ اسْتِرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ؛

رحمت آوردن بر کسی است که از تو طلب رحمت کند». تو همواره این‌گونه رفتار می‌کنی: کسی که از تو رحمت خواست، به او رحم می‌کنی و آنکه از تو کمک خواست به او کمک می‌کنی، آنکه فریادخواهی کرد و گفت به فریاد من برس، تو نجاتش می‌دهی.

### ■ استغفار حاملان عرش برای اهل ایمان

قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ»؛ کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آنها، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آمرزش می‌کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند، ببخش و آنها را از عذاب آتش ننگه دار». آنجایی که می‌خواهیم بگوییم: «أَشْبَهُ الْأَشْيَاءَ بِمَشِيَّتِكَ، رَحْمَهُ مِنْ اسْتِرْحَمَكَ»، نشانه و سند می‌خواهیم.



همه‌ی عالم و قرآن کریم - و از جمله - این آیه دلیل و سند ما است. آیه بیان می‌دارد در ستاد فرماندهی کل قوای هستی که مقام عرش است، حاملان عرش الهی که مقرب‌ترین نزد پروردگار متعال هستند و حامل مشیت الله، جاری‌کننده‌ی فیض و فضل و لطف الهی هستند، در آن جایگاه عالی: «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ»، مشغول تسبیح ذات اقدس الهی هستند. در روایتی معصوم فرمود: «سَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ، قَدَسْنَا فَقَدَسَتِ الْمَلَائِكَةُ؟» ما خدا را تسبیح گفتیم، پس ملائکه تسبیح گفتند و ما خدا را تقدیس کردیم، پس ملائکه تقدیس کردند». جایگاه رفیع و باعظمتی است؛ در مقام امن ساکن هستند. حال آن مرتبه‌ی ایمان که آنجا است چه مرتبه‌ای است؟ «يَوْمُنُونَ بِهِ»، اینها به خدای متعال ایمان دارند و برای هم‌کیشان خود - کسانی که با آنها هم‌اعتقاد، هم‌فکر و هم‌مسلك هستند - به صورت دائم، جاری و مستمر، استغفار می‌کنند. خدای متعال در رتبه و جایگاهی بسیار عالی و والا، برای مؤمنان، معاون، یار و یاور گذاشته است. در عرش برای اهل ایمان حامی قرار داده است که این، بیانگر رحمت گسترده‌ی خدای

متعال است. سبک استغفارشان برای اهل ایمان جالب است. اولاً با کلمه‌ی رَبَّنَا شروع می‌شود: «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا»، در این عالم، رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است: «وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا»، هیچ چیز در این عالم نیست مگر اینکه در سعده‌ی رحمت و در محیط علم تو است. «فَاعْفُرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ»، ببخش آنهایی را که توبه کردند و به توبه‌شان التزام نشان دادند؛ آنها را از عذاب سخت خودت حفاظت کن. در مرحله‌ی بالاتر برای اینها طلب بهشت هم می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۱۱</sup> پروردگارا، آنان را در باغ‌های جاوید که وعده‌شان داده‌ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندان‌شان که به صلاح آمده‌اند، داخل کن، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی». از خدای متعال می‌خواهند که اینها را وارد بهشت کنند؛ بهشت خانواده‌گی! اینها را وارد کن به بهشتی که اولاً بهشت عدن است. بهشت عدن در بین مراتب بهشت در جایگاه فوق‌العاده‌ای قرار گرفته است. ثانیاً

صالحان از پدران، مادران، فرزندان و نسل ایشان را هم به آنها در آنجا ملحق کن. «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، اینجا عزت و حکمت الهی مطرح می‌شود. در ادامه قرآن می‌فرماید: «وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۱۲</sup> و آنان را از بدی‌ها نگاه دار و هر که را در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی، البته رحمتش کرده‌ای و این همان کامیابی بزرگ است». آنها را از رنج‌ها، بدی‌ها، گرفتاری‌ها و سختی‌ها حفظ کن. رحمت نهایی تو وقتی است که کسی را در آن روز سخت، از دشواری‌ها، عذاب، لغزیدن‌ها، سقوط و افتادن حفظ کنی.

### ■ دوستان را کجا کنی محروم، تو که با فرعون چنین نظر داری؟

ابن عباس شاگرد تفسیری امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) است. آیاتی از قرآن کریم او را با فریاد و ضجه به کوه کشاند؛ پرسیدند: چرا این‌طور فریاد می‌زنی، گریه می‌کنی، ضجه می‌زنی؟ می‌گوید: قرآن می‌خواندم، به این آیات رسیدم، منقلب شدم. ماجرای فرعون را می‌خواندم، خدای متعال خواست برای فرعون پیام

بفرستد: «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»<sup>۱۳</sup> به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته»، فرعون آدم عادی نیست، طغیان کرده است، طغیان‌ش در چه حد است، می‌گوید: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ»<sup>۱۴</sup> پروردگار بزرگ‌تر شما منم». این همان است که به دستور او «يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ؛ پسران آنها را می‌کشتند و زنان‌شان را زنده نگه می‌داشتند». خدای متعال می‌خواهد سراغ فرعون پیک بفرستد. دو بنده‌ی برگزیده‌ی خودش، موسی و هارون را می‌فرستد. اما به آنها می‌گوید: پیش او رفتید، حق ندارید با او درشت سخن بگویید چون از طرف من می‌روید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»<sup>۱۵</sup> و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد»، با فرعون نرم حرف بزنید، آرام صحبت کنید، شاید به خودش بیاید، شاید برگردد. خدای متعال متظر است حتی فرعون هم به سوی او برگردد. بعد از دعوت موسی (علیه‌السلام)، فرعون سخنان آنها را نپذیرفت. مرحله‌ی بعدی ارائه‌ی معجزات بزرگ بود، باز هم فرعون بیدار نشد، معجزه‌ی عصا پیش آمد، گفت سحر است و در آخر هم نپذیرفت. وقتی در حال

غرق شدن بود، گفت: خدایا من اکنون توبه کردم، جواب آمد: دیگر دیر شده است. فرصت توبه برای کسی مثل فرعون تا قبل از دیدار فرشته‌ی مرگ فراهم بوده است؛ ولی وقتی مشخص شد مرگ حتمی است، دیگر توبه جایی ندارد. فرعون گفت: «تُبْتُ الْآنَ؛<sup>۱۵</sup> اکنون توبه کردم»، فرمود: «وَقَدْ عَصَيْتَ؛<sup>۱۶</sup> در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی». اکنون دیگر وقت توبه نیست، تو تمام پل‌ها را پشت سرت خراب کردی.

ابن عباس آدم لطیفی بوده که از کنار این آیه به کجاها منتقل شده است. به کسی که به او گفته بود: چرا این طور ضجه می‌زنی؟ گفت: من از رحمت و لطف الهی در حیرت هستم، از فرعون هم نمی‌تواند رد شود!! تطبیق می‌دهد و می‌گوید: وضعیت و تکلیف من چیست؟ من که آن‌طور طغیان نکردم، من «أَنَا رَبِّكُمْ الْأَعْلَى» نگفتم، بنده‌ی خطاکاری هستم، اشتباهات خودم را دارم، پس مولا با من از لطف و رحمت و کرمش چه خواهد کرد؟ این آتش عشقی است که در دلش روشن شده بود و خاموش نمی‌شد.

اگر فرعون مقداری زودتر استغاثه

کرده بود، خداوند توبه او را قبول می‌کرد، وقتی گفت: «تُبْتُ الْآنَ»، اکنون توبه کردم، پشیمان شدم، جواب این است که دیگر کاری برای تو نمی‌شود کرد، همه چیز را خراب کردی. این سنت الهی است. «فَارْحَمْنَا تَصْرُّعَنَا إِلَيْكَ؛ پس بر زاری ما نزد خود رحمت آور»، این «فاء» نتیجه است، یعنی ما به درگاه تو آمدیم، استغاثه می‌کنیم و کمک می‌خواهیم، پس به ما رحم کن. در نسخه‌های مختلف «وَأَغْنِنَا» و «وَأَغْنِنَا» آمده که به نظر من با توجه به جمله‌ی قبلی، «أَغْنِنَا» صحیح‌تر و هماهنگ‌تر است.

«إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ»، ما خود را نزد درگاه تو انداختیم که بیانگر مقام تسلیم است. جمله‌ی «إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ»؛ نشانه‌ی اوج خضوع، خشوع، طلب رحمت و مغفرت است. بیشتر مترجمان خواسته‌اند این قسمت را استعاره بگیرند. ولی اگر حقیقت را بخواهیم بگیریم، انسان در حالت سجده، خودش را روی زمین می‌ندازد و زیباترین وضعیت انسان در پیشگاه پروردگار متعال که مورد عنایت خاص الهی قرار می‌گیرد و از فضل الهی بهره‌ی ویژه می‌برد، حالت

سجده است. در حضور او خودت را روی زمین انداخته‌ای: «طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ»، این طور هم می‌شود معنی کرد که بهترین وضعیت است.

### ■ پناه بردن به خداوند از شماتت شیطان

امام (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمَّتْ بِنَا إِذْ شَايَعَنَا؛ خدایا شیطان که از او پیروی کردیم ما را شماتت کرد»، وقتی از شیطان پیروی کردیم، ما را وسوسه کرد، ما در دام شیطان افتادیم و شروع کرد به ما خندیدن و ما را شماتت کرد. شماتت چیز بدی است. هنگامی که تو بر دشمنت غلبه می‌کنی، وقتی او روی زمین می‌افتد و دیگر کاری از او ساخته نیست، می‌ایستی و به او می‌خندی. این شماتت و زخم زبان است که جگر انسان را می‌سوزاند. شیطان، انسان را گمراه کرده است و اکنون به او می‌خندد. در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ

مَنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛<sup>۱۷</sup> و چون کار از کار گذشت [او داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید: در حقیقت، خدا به شما وعده داد، وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌دانستید، کافر می‌آری! ستمکاران عذابی پر درد خواهند داشت». این برای صحنه‌ی آخر است؛ وقتی کار تمام شد و انسان را به سوی جهنم می‌برند، شیطان می‌گوید: خداوند به شما وعده‌ی حق داده بود، شما وعده‌ی الهی را جدی نگرفتید، اما من که به شما وعده دادم، حرف مرا گوش کردید؛ حال آنکه من وعده‌شکن هستم. در قصه‌ی حضرت آدم و حوا (عَلَيْهِمُ السَّلَام) آمده است که شیطان به ایشان وعده داد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مَلِكٍ لَا يَمُوتُ؛<sup>۱۸</sup> پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی

و ملکی که زایل نمی‌شود». آنها به دام معصیت و گناه افتادند. شما به وعده‌ی خدا گوش نکردید، اما به وعده‌ی من گوش کردید، اما من اکنون نمی‌توانم برای شما کاری بکنم، عاقبت شما به من ربطی ندارد. شیطان می‌خندد و می‌گوید: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ، إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي»، من شما را دعوت کردم، شما هم جواب دادید؛ «فَلَا تَلُومُونِي وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ»، نمی‌خواهد مرا ملامت و لعن کنید، خودتان را ملامت کنید: «وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ؛ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُمْ بِمُصْرِخِي»، امروز نه من می‌توانم به فریاد شما برسم، نه شما می‌توانید به فریاد من برسید. «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلِ إِنْ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، این حرف‌های شیطان است. آخرین حرفش هم این است: «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ؛ إِنْ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، شما مرا شریک خدای متعال قرار دادید، اما من این را قبول نداشتم.

پایان سخن این است: «اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمَتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ»، ما به دنبال شیطان رفتیم و در معصیت تو او را پیروی کردیم و حال این طور ما را شماتت کرد.

«فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، پس بر محمد و آلش رحمت فرست»، به آبروی محمد و آل محمد، به مکانت محمد و آل محمد، به رحمت محمد و آل محمد، به جمال محمد و آل محمد، به شرف محمد و آل محمد؛ «وَلَا تُشْمِتُهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِيَّاهُ لَكَ، وَ رَغَبْتَنَا عَنْهُ إِلَيْكَ»؛ و اکنون که او را برای تو ترک کردیم و از طرف او به سوی تو متوجه شدیم، او را بر ما مجال شماتت مده، اکنون ما شیطان را رها کردیم و از تو طلب رحمت، لطف، کرم و عفو داریم که ما را نجات دهی. حال اگر دست ما را نگیری و شیطان ما را شماتت کند و بگوید اگر به سوی خدا هم بروید، شما را تحویل نمی‌گیرد، چه کاری از من ساخته است؟! «وَلَا تُشْمِتُهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِيَّاهُ لَكَ»، حال که ما او را به خاطر تو رها کردیم و از تو طلب مغفرت و رحمت می‌کنیم، اکنون تو صدای شیطان را روی سر ما بلند نکن و زبان شماتتش را به روی ما نگشا.

### ■ پیچیده شدن عطر اربعین در فضای کشور

حالا و هوای جامعه، حال و هوای خاصی است. بر اساس گزارش‌ها

کاروان رفقای ما، حالا در نجف است. خوشا به سعادتشان. لابد آماده می‌شوند فردا صبح به سمت کربلای معلی حرکت کنند. آنهایی‌تان که تا حالا رفته‌اند، اکنون خیلی حالشان خراب است. آنهایی که نرفته‌اند نیز خیلی حسرت دارند.

در زیارت اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) شهد و راز و رمزی نهفته است. جنبه‌های ظاهری‌اش را در این همایش جهانی و بین‌المللی شیعه، می‌بینید. این راهپیمایی بزرگ و باشکوه و پر از زیبایی، همه‌اش رحمت و لطف و مهربانی است. کسی در همان مسیر به من می‌گفت: در اینجا هرچه بیشتر به ما مهربانی می‌کنند، بیشتر می‌سوزیم؛ چون این مسیر را زینب و بچه‌های اباعبدالله هم رفتند؛ اما با چه وضعی رفتند؟ حالا ما یک ذره پامان مثلاً زخم می‌دهند، پماد می‌آورند و رسیدگی می‌کنند. اما آنجا اگر بچه‌ها اعتراض می‌کردند، بیشتر اذیتشان می‌کردند. اینجا دعوت می‌کنند، التماس می‌کنند، خواهش می‌کنند، رسیدگی می‌کنند؛ آنجا زخم‌زبان‌ها بود، آنجا فریادها بود، آنجا تازیانه‌ها بود. بله، خیلی سفر عجیبی است!

این سازمان‌دهی جهانی، به شیعه شکوه و عظمت فوق‌العاده می‌دهد. این محبت‌ها، این لطف، این صمیمیتی که آنجا بین دوستان اهل بیت (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) جریان دارد، امنیتی که به وجود می‌آورد - چه در عراق و چه در ایران - باعث دلگرمی دوستان اهل بیت است که در اقلیت و در وضعیت سختی به سر می‌برند. این همایش جهانی، به آنها روحیه، قوت قلب و نشاط می‌دهد؛ چون خالص است. حج نیز این چنین است، اما حج ناخالصی دارد؛ ولی اینجا نه، همه خالص و دوستان اهل بیت هستند. معلوم می‌شود اولیاء خدا این را طراحي کرده‌اند.

چهره‌هایی که به خاطر اباعبدالله در آفتاب بسوزد، بدن‌هایی که خسته می‌شود، پاهایی که زخمی می‌شود، گرد و خاکی که به سر و روی زائر می‌نشیند، در کلماتی که از اولیاء خدا نقل شده، مورد عنایت خاص امام عصر (علیه السلام) است.

من پارسال به رفقا می‌گفتم: شاید یکی از بهترین جاهایی که کسی می‌تواند توقع داشته باشد که خدمت امام عصر (علیه السلام) شرفیاب بشود، در همین مسیرها



است، در همین جا ده‌ها است، در همین موکب‌ها است. گاهی انسان شک می‌کند نکند آقایمان هم همین جا باشد؟ در همین موکب باشد؟ کنار ما باشد؟ زائران در لحظه لحظه‌ی این سفر حس عجیبی دارند. کسی که جلوتر می‌رود، کسی که از پشت سر می‌آید، کسی که... همه حال و هوای خاص خود را دارند و این جماعت خیلی مورد عنایت است.

### ■ جلوه‌های ناب رحمت الهی در زیارت اربعین

زیارت اربعین جلوه‌های ناب‌ی از رحمت الهی را در سیمای اباعبدالله (علیه السلام) آشکار می‌کند؛ چون امام حسین (علیه السلام) حرف آخر خدای متعال در رحمت است. در زیارت اربعین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ الْوَاسِعَةَ؛ سلام بر تو ای رحمت گسترده خداوند». سخن پایانی خداوند در رحمت، حسین است. زیارت اربعین برای ما رمزگشایی می‌کند که حسین مظهر رحمت الهی است. می‌فرماید: «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَتَّحِ النَّصْحَ»<sup>۱۹</sup> او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد.

حضرت دائماً مردم را دعوت می‌کرد، با آنها صحبت می‌کرد، با لب‌های تشنه، ترک‌خورده، با زبان عطشان و خشک و با دهان زخمی خود آنها را رها نمی‌کرد. امام حسین (علیه السلام) به آنها می‌گفت: مگر این عمّامه‌ی پیغمبر نیست؟ مگر این شمشیر پیغمبر نیست؟ مگر زیر این آسمان کسی از پیغمبر جز من به یادگار مانده است؟ نمی‌خواست کسی از رحمت الهی محروم شود. «حَتَّى سُنْفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَأَسْتُيْحَ حَرِيمُهُ»<sup>۲۰</sup> تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد». خدای متعال تحمل کرد تا امام حسین (علیه السلام) به نقطه‌ی پایان برسد؛ چون پیک رحمت الهی است. در زیارت اربعین آمده است: «بِذَلِّ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»<sup>۲۱</sup> و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگان را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی». آن وقت است که سنگی آمد و به پیشانی حضرت نشست. امام (علیه السلام) پیراهن را بالا آوردند تا خون‌ها را از برابر چشمانشان کنار بزنند، در این هنگام، آن نانجیب یکی از تیرهای مخصوص را به سمت

سینه‌ی اباعبدالله نشانه گرفت... امام (علیه السلام) تیر سه‌شعبه را بیرون آورد. در مقتل نوشته‌اند که خون از سینه‌ی مطهر حسین (علیه السلام) فواره زد. این شاید همان صحنه‌ای است که فرمود: «بِذَلِّ مُهْجَتَهُ»، چون «مُهْجَتَهُ» خون قلب است. «بِذَلِّ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»، شاید این باعث شود تا بنده‌های تو نجات پیدا کنند و از جهل بیرون آیند و به سوی تو بازگردند. سپس امام حسین (علیه السلام) با دست‌های مبارکش زیر خون را گرفت و شروع کرد محاسن خود را با خون قلب خضاب کردن؛ وضوی عاشقانه ساخت!

آیا جمله‌ی زیارت اربعین ناظر به این قطعه است؟ آیا ناظر به صحنه‌ای است که حضرت علی اصغر روی دست‌های مبارک حضرت پرپر شد؟ چون آنجا هم حضرت همین کار را کرد؛ دو دست مبارکش را زیرگلوی علی اصغر گرفت، خون‌ها را به آسمان پاشید. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: یک قطره از خون علی اصغر به زمین نریخت و همه را فرشته‌ها به آسمان بردند...

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ



### ■ منابع و مآخذ:

۱. عنکبوت: ۲۱.
۲. حدید: ۳.
۳. فاتحه: ۲.
۴. همان: ۳.
۵. اسراء: ۱۱۰.
۶. طه: ۸۱.
۷. لقمان: ۲۷.
۸. غافر: ۷.
۹. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱.
۱۰. غافر: ۸.
۱۱. همان: ۹.
۱۲. طه: ۴۳.
۱۳. نازعات: ۲۴.
۱۴. طه: ۴۴.
۱۵. نساء: ۱۸.
۱۶. یونس: ۹۱.
۱۷. ابراهیم: ۲۲.
۱۸. طه: ۱۲۰.
۱۹. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، زیارت اربعین، ص ۷۸.
۲۰. همان.
۲۱. همان.





افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir | سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها، از نماز مغرب و عشاء



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر